

فرهنگ‌های شهری

و

توسعه پایدار

د ل ف : اینگرید ارنست

مترجم.

منیره ریحانی

کارشناس ارشد مترجمی زبان فرانسه

دکتر غلامرضا شکرانی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی



سرشناسه: Ernst, Ingrid ارنست، اینگرید
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ‌های شهری و توسعه پایدار/مولف اینگرید ارنست؛ مترجمان منیژه ریحانی،
غلامرضا شکرانی؛ ویراستار آفاق دادو، مرتضی فضلی.

مشخصات نشر: کرج: فروغ سپهر، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۹۴ ص.

شابک: ۹۷۸۶۲۲۹۶۰۸۳۰۲

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Cultures urbaines et développement durable، ۲۰۰۲.

موضوع: توسعه پایدار شهری

Sustainable urban development موضوع

موضوع: شهرسازی - طرح و برنامه‌ریزی

City planning - Design موضوع

موضوع: شهرسازی - نمونه‌پژوهی

City planning - Case study موضوع

شناسه فزوده اثر: منیژه، ۱۳۵۴ - مترجم

شناسه فزوده: شکرانی، غلامرضا، ۱۳۴۹ - مترجم

رده بندی سگره: ۷۵

رده بندی دیویی: ۳۳۸/۳

شماره کتابشناسی: ۴۷۵۱

فرهنگ‌های شهری و توسعه پایدار

مترجم: منیژه ریحانی - دکتر غلامرضا رانی

ویراستار: آفاق دادو - مرتضی فضلی

شابک: ۹۶۰۸۳ - ۰۲ - ۶۲۲ - ۰۸

نویت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

چاپخانه: شبدا

ناظر فنی چاپ: مرتضی فضلی

انتشارات فروغ سپهر

a.dadou.institute@gmail.com

09399649611

فهرست مطالب

۶	مقدمه: پنج حوزه فرهنگ شهری
۲۵	مفهوم توسعه پایدار
۲۹	سیاست‌های شهری پایدار میان جهانی‌گرایی و هویت‌ها
۴۶	پارک ملی - امشر: ادغام خلاقیت هنری در فرآیندهای مدیریت پایدار
۵۳	شهر پایدار: فرهنگ در حال تکوین
۸۸	آنورس: غنی‌سازی هویت شهری با مدل
۹۱	شهر پایدار و شکل شهر: رومانی، مورد مدل‌ها
۱۰۹	بیلیانو: از فرهنگ تا توسعه پایدار
۱۱۳	بعد نمادین شهر پایدار: دفاعیه‌ای برای فضاهای عمومی
۱۲۸	بروملی: درخشش بزرگ علمی
۱۳۱	فرهنگ و شهر پایدار در شرایط احیاء شهری
۱۶۰	کوتبوس: تاثیر نمایش منظره‌ای
۱۶۳	شهرسازی پرشتاب: رویدادی میان پایدار و ناپایدار
۱۷۲	استکهلم، نمونه‌ای از شهر پایدار
۱۸۰	لیسبون: به سوی مرکزیتی جدید
۱۸۸	پاریس - سنت دنیس: استادیوم فرانسه، بنای ورزشی و رکن باز ترکیب حومه

مقدمه

په حوزه فرهنگ شهری

اثر حاضر ترجمه تحقیقات و مطالعات موردی در خصوص مسئله کاوی جدید می‌باشد که نویسندگانی همچون: اینگرید ارنست، سیریا امیلیانوف، گورین ژکاند، سینتا هرا، بن، کلود شلین و میشل تیلمون گردآوری شده است.

ارتباط بین فرهنگ‌های شهری و توسعه پایدار

از مدتها پیش، کارگزاران نیز مانند سفرکران توسعه پایدار از این تعامل آگاه می‌باشند. با این حال، در زمینه‌هایی که توسعه کارگزاران مختلف یا توسط رابطه‌ای که غیرموثر تعریف شده، این ارتباط غالباً واضح نیست.

متوجه هستیم که حضور موضوعی به نام فرهنگ، ضامن موفقیت تدابیر توسعه پایدار شهری است. این تدابیر از ابتکار و مشارکت و پایدارترم برخوردارند. روند نوآوری توسعه شهری همواره دیر یا زود با فرهنگ عجین می‌شود و این تدابیر فرصت‌هایی هستند که اثر حاضر در نظر دارد که در شناسایی آن بیشتر تلاش نماید.

در موقعیت کنونی امر فرهنگی باید بیشتر تبیین شود. در واقع در زمینه توسعه پایدار شهری و روبرویی با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در فضای شهری، مسئله فرهنگ حداقل در پنج زمینه نمایان می‌شود:

- در زمینه میراث گذشتگان و مدیریت آن؛

- در زمینه تولیدات فرهنگی عمدتاً پیشرو در فعالیت‌هایی با ویژگی شهری؛

- در زمینه شهرت و کیفیت زندگی شهری؛

- در زمینه حل شهر و بخصوص مفهوم فضاهاى عمومى؛

- در حوزه فرهنگ شهر، در معنا، نظام‌های ارزشی، "فرهنگ اداری" و مهارت‌های عوامل دولتی در زمینه شهرسازی.

این لیست به ما امکان آشکار کردن این مجموعه مبهمی از لحاظ معنا را می‌دهد، مجموعه‌ای که ما به آن مفهوم فرهنگ شهری را اطلاق کرده‌ایم. در واقع، ما از این اصطلاح در مورد هر موضوع یا روندی که شایسته تداوم یا از ارائه‌ها، خلاقیت یا معنویت شود که به ما در شناسایی نوع یک مکان یا گروه شهری کمک کند، استفاده می‌کنیم.

می‌توان خاطرنشان کرد که فرهنگ‌های شهری با اینکه فهرستی از موارد و ابتکارات وسیع را دربرمی‌گیرند، در عین حال به ندرت در حوزه بازدهی

ساختمانی یا آمایش مهندسی مداخله می‌کند. به عکس، اغلب به روش نه چندان روشن، پیکربندی این پنج حوزه فرهنگی در طراحی و کار توسعه پایدار شهری نقش ایفا می‌کنند. بنابراین سعی ما بر این است که این تلاقی را توضیح دهیم.

۱. میریت پایدار میراث شهری

در این حوزه عام، منفعه است که این ارتباط بسیار بدیهی به نظر می‌رسد، چرا که اهداف مدد میراث شهری و توسعه پایدار هر دو بر روی همین مسئولیت‌های امروز و روز آینده مبتنی هستند. در واقع، میراث گذشتگان می‌تواند مانند "دارایی‌ای که باید به نسل آینده انتقال یابد"، تعریف شود.

با این حال، مسئله میراث فرهنگی نسبت به شهر پایدار سه مدل سوال را که در تعامل با یکدیگر قرار دارند، ایجاد می‌کند:

۱. آیا میراث فرهنگی از یک شیء باستانی تشکیل شده، یا صرفاً یک ایده باستانی که بعدها تحقق یافته یا بازسازی شده، می‌تواند میراث فرهنگی تلقی شود؟

این موضوع به اختلاف بر سر مادی بودن میراث فرهنگی می‌پردازد. در اروپای جنوبی، فقط شیء اصلی، ارزش میراثی دارد (به استثناء چند مورد

مانند سنگفرش میدان کاپیتول^۱ در رم، طراحی شده توسط میکل آنژ^۲ و ساخته شده در سال‌های دهه ۳۰ قرن بیستم). در اروپای شمالی و شرقی، میراثی که عیناً و کاملاً بازسازی شده‌است، مفهوم میراث گذشتگان را می‌رساند (به طور مثال موزه‌های طبیعی در سوئد یا هلند). این برداشت با ویرانی‌های جنگ جهانی دوم تقویت شد (بازسازی ورشو و همچنین بازسازی خانه مادری گوته^۳ در فرانکفورت) و انگهی همین مسئله در جاهای دیگر دنیا نیز اعتبار دارد.

به طور مثال در رابطه با کار بازسازی شبیه به اصل از مطلوبیت عمده‌ای برخوردار است که به آن فوکشن^۴ می‌گویند، در کشورهای شمال آفریقا نیز چنین است. (رجوع شود به مقاله سلوی گواچارد انگویی^۵ در اثر حاضر)

این مسئله با میراث طبیعی نیز ارتباط دارد. در اروپای شمالی - جایی که مناطقی بسیار متراکم از لحاظ جمعیتی وجود دارد، مانند شهر لروهر^۶، نمونه یک کاربرد بزرگ از "بازسازی طبیعت" - از - میراث گذشتگان که با چشم

1 - Capitole

2 - Michel-Ange

3 - Goethe

4 - Fukugen

5 - Sylvie Guichard Anguis

6 - La Ruhr

اندازه‌های بازسازی شده هماهنگی یافته، اجازه اشاعه گونه‌های زیستی مصنوعی را در وسط شهر می‌دهد (به طور مثال شهرک مرزهن^۱ در برلین)

۱۱. در یک بنای تاریخی که روی باقیمانده‌های بنای قبل از خود که مربوط به دور های متفاوت هستند، ساخته شده باشد، آیا برتر شمردن یک دوره خاص، منطقی به نظر می‌رسد؟

در واقع در شهرهای تاریخی، لایه بندی تحولات معمولاً توسط آثار دوره‌های مختلف بیان می‌شود. از سوی دیگر می‌توانیم به درستی ملاحظه کنیم که دستاورد عظیم حاضر، زمینه ساخت میراث آینده است و حمایت طراحانی که معماری را با تاریخ و هنر به هم می‌آمیزند و نیز مساعدت هنرمندان در این راستا به پیش می‌رود. برای مثال پارک امشر^۲، که در آن استخر طبقه‌بندی شده به‌عنوان اثر تاریخی، تبدیل به موزه دریانوردی شده است).

هر سیاستی در زمینه میراث فرهنگی در محیط شهری، منوطی بر انتخاب گزینه‌های کم و بیش مهم مربوط به یک دوره خاص می‌شود، انتخابی که عموماً با تخریب عناصری که به عنوان برهم زننده "دوره برگزیده شده" همراه است. این گزینه‌ها را مسلماً می‌توان زیر سوال برد. طی دهه‌های بعد از جنگ، میراث هنر جدید یا آرت دکو^۳ در حفظ تعداد زیادی از شهرهای قدیمی‌تر همچنین فراموش

1 - Marzahn

2 - Emscher

3 - Art Déco

شده (مانند استراسبورگ) و حتی ویران شده (مثل بروکسل) و شهرهایی که امروزه تاریخی نامیده می‌شوند (مانند مراکش) هنوز مشکل ایجاد می‌کند در صورتی که در بارسلون به طور مثال توانسته‌اند به یک سیاست در زمینه میراث فرهنگی دست یابند که لایه‌بندی دوره‌های مختلف را برجسته می‌کنند.

۱۱. میراث شهری در چه مقیاسی باید در نظر گرفته شود؟

ما در مورد حفظ و نگهداری یک ساختمان برجسته، کارکرد بسیار بالایی داریم اما این تجربه در مورد مدیریت مجموعه‌های دارای ارزش میراث فرهنگی، کمتر بوده و در مورد حفظ و نگهداری سازه‌های شهری باز هم کمتر است. سیاست بازسازی پیرامانی اعمال شده در شهر برلین به طور مثال، در صدد حفظ مفهوم قطعه و حجم بناهای سرهم بوده است و بدین گونه اختلاط اجتماعی، ویژگی قسمت شرقی مرکز این شهر قبل از جنگ بوده است در حالی که سبک معماری به ظاهر معاصر می‌نماید. پایدار سازی سازه شهری در اینجا به عنوان دغدغه اصلی محسوب شده است.

۲. تولیدات فرهنگی و شهر پایدار

علی رغم این که دستاورد بسیار وجود مکان‌های اشاعه فرهنگی هم برای شهر و هم برای کیفیت آن قابل قبول است، مکان‌های تولیدات فرهنگی در توسعه پایدار شهری همواره مورد توجه واقع نمی‌شوند.